

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۵/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۴

مقاله پژوهشی

فصلنامه علمی عرفان اسلامی

سال نوزدهم، شماره ۷۳، پاییز ۱۴۰۱

DOR: [20.1001.1.20080514.1401.19.73.4.4](https://doi.org/10.20080514.1401.19.73.4.4)

طراحی و اعتباریابی مدل مدیریت عرفان اسلامی

اسدالله اسدی گرمارودی^۱

علی شیخ‌الاسلامی^۲

اسماعیل منصوری لاریجانی^۳

رضا ساکی^۴

چکیده

اهتمام همه‌جانبه تزریق، ترویج و تعمیق آموزه‌های عرفان ناب اسلامی در همه عرصه‌های اجتماع و به‌ویژه در قلمرو اصول مدیریت ضرورتی است انکارناپذیر. هدف این پژوهش آن است تا با طراحی و اعتباریابی مدل مدیریت عرفان اسلامی: اولاً این تأثیر را بنمایاند و ثانیاً عرفان اسلامی را در حقیقت راستین‌اش با الگوپذیری از انسان کامل و کامل‌شدن مدیران در سیرو سلوکی صدرایی، از انزوای منفی نجات بخشد. این پژوهش با استفاده از طرح تحقیقی آمیخته از نوع اکتشافی انجام و به‌ترتیب با بررسی کتابخانه‌ای و مصاحبه با صاحب‌نظران، چارچوب اولیه راهنما را تهیه و بر اساس روش کیو که عامل پیوند بین داده‌های کمی و کیفی است مراحل نهایی پژوهش، تا طراحی و اعتباریابی مدل مورد انتظار دنبال شده است. مدل به‌دست‌آمده دارای هفت مؤلفه اصلی: عدالت‌محوری، تعالی‌جویی، بهبود اجتماعی، اثربخشی، کارایی، اسوه‌ای، تکلیف‌مداری مرتبط با یکدیگر بوده و نتایج حاکی از آن است که مؤلفه‌های مدیریت مبتنی بر عرفان اسلامی به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم با ضرایبی بین ۰/۱۰۸ تا ۰/۳۸۴ بر یکدیگر تأثیر معنی‌دار داشته‌اند و مدل ارائه‌شده از لحاظ آماری با اطمینان ۹۵ درصد، مورد تأیید است. لذا می‌توان با بهره‌گیری از آموزه‌های عرفان اسلامی در مدیریت، جلوه‌های الهی و کارا تر در سازمان ارائه نمود که نتایج آن منجر به بالندگی هرچه بیشتر سازمان‌ها شود. واژگان کلیدی: مدل، مدیریت، عرفان اسلامی، آموزه‌های عرفان اسلامی.

^۱ - دانشجوی دکتری تصوف و عرفان، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

^۲ - استاد گروه عرفان اسلامی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. نویسنده مسئول: a-sheikhholeslami@srbiau.ac.ir

^۳ - دانشیار گروه عرفان اسلامی، دانشگاه امام حسین ع، تهران، ایران.

^۴ - دانشیار دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران.

بیان مسأله

پس از گذشت قریب به چهار دهه از عمر انقلاب اسلامی، آنچه بیش از پیش در انجام و ایفای به تعهد و مسولیت بس خطیر مدیریتی برای مدیران سطوح مختلف نظام جمهوری اسلامی احساس نیاز می‌شود، بهره‌جویی از آموزه‌های عرفانی است زیرا:

۱. امروزه آحاد مردم، با بسترهای فراهم‌شده از امکانات ارتباطاتی همچون ماهواره، اینترنت، فضای مجازی و... حیات خود را در یک دهکده جهانی ملاحظه می‌کنند و بدین جهت سنجه و سنگ ترازی داور در مقبولیت و رضایتمندی به‌ویژه در قلمرو تصمیمات و عملکرد مدیران را نه در سطح شهر و منطقه و کشور و بلکه با نگاه جهانی ارزیابی می‌کنند (رویکرد دهکده جهانی).

۲. انتظار به‌جا و به‌حق مردم پس از چهار دهه از انقلاب از مدیران بر مبنای ارزش‌های معنوی اسلام و انقلاب اسلامی، با رویکردی تکلیف‌مدارانه و تقرب الی الله، پذیرا باشند (رویکرد تکلیف‌مداری)

۳. با اعمال نظریه حاکمیت ولایت فقیه در اداره اجتماع، برای آحاد ملت، انتظار به‌حق را پدید-آورده است تا مسئولان نظام اسلامی و مدیران دستگاه‌های مختلف نظام را در تبعیت عملی و الگوپذیری از زندگی سبکبار و ساده امام راحل و رهبر معظم انقلاب اسلامی مشاهده کنند، اهمیتی که با تمرین و ممارست در انجام عمل صالح، کسب شایستگی رضایت امام زمان صلوات الله علیه را در پی داشته باشد. (رویکرد الگویی).

۴- یکی از نقشه‌های شوم موفقیت‌آمیز استکبار جهانی، معرفی وارونه از پوستین اسلام عزیز است. ایجاد تشکیلاتی همچون داعش، با بیرق و پرچمی برافراشته از مقدس‌ترین شعائر اسلامی، ما را به این باور یقینی رهنمود می‌سازد که برنده‌ترین طرح تقابلی و برنده‌ترین سلاح در مقابله با این دسیسه‌ها، ایجاد وحدت با اعمال مدیریتی بر پایه عرفان اسلامی است. که بر محور توحید وجودی، موحدانی با شاخصه‌های محبت و عشق و ایثار و ایمان، تجلی‌بخش رحمت الهی، و مجری شعار پیامبر رحمت (ص): «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قُولُوا: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، تَقْلِحُوا» (أحمد بن حنبل ؛ ۲۵: ۴۰۴) باشد. (رویکرد رحمانی).

۵ - عدالت که در اصول مذهب تشیع نقش پرچم هدایت در صراط زندگی فردی و به‌ویژه نظام اجتماعی تلقی می‌شود و انقلاب اسلامی منبعث از این دیدگاه همه تشنگان به عدالت و حتی آحاد

نجیب دیگر ادیان کشور را خوش بینانه تا پای ایثار جان و مال به این امید به میدان آورده، تا دست- اندرکاران نظام با رویکرد عدالتی علوی و اجتناب از هگونه دنیاخواهی و زراندوزی و اختلاس و قدرت طلبی، ضامن نیک‌بختی آنان در زندگی باشند (رویکرد عدالتخواهی).

۶- بنا به فرمایش نبی مکرم اسلام: " ان الله تعالی لم یکتب علینا الرهبانیه، انما رهبانیه اُمتی الجهاد فی سبیل الله". (قمی، ج ۳، ۴۲۷) رهبانیت در اسلام، رهبانیت منفی و رویگردان از جماعت نیست. عرفان بیش و پیش از آنکه یک مکتب نظری باشد مکتبی یکپارچه عملی به‌شمار می‌رود و در ظل آموزه‌های عرفانی بوده‌است که عارفان واصلی همچون امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری توانستند رهبری و مدیریت جهان اسلام را برعهده‌گرفته و جوامع انسانی جهان تشنه از معنویت را با اقتدار تمام متوجه خویش نمایند. (رویکرد انزوادایی)

۷- قرآن کریم درمان همه اضطراب‌ها و دل‌نگرانی‌ها را در ذکر و یاد به خداوند معرفی می‌نماید «الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (الرعد - ۲۸) ضرورت نیاز به آرامش و طمأنینه بخشی در عصر اضطراب و آشوب برآمده از هجمه‌های همه‌جانبه شیاطین زمانه و شبهه‌پراکنی و حمله‌های لحظه‌به‌لحظه به باورها و معتقداتی که در جنگ نرم بر مردم خدا باور ایران اسلامی وارد می‌شود جز با سرکشیدن شراب طهور و روحبخش معرفت به حضرت حق در مشرب عرفانی مقدور نخواهد بود. (رویکرد آرامش بخشی)

۸- انتظار کنونی آحاد ملت، از سطوح مختلف مدیران دستگاه‌ها فراتر از سال‌های اوایل انقلاب رفته و بلکه بی‌اغماض تر شد است. و اینکه می‌بینند بسیاری از نارضایتی‌های موجود از عملکرد مدیران به‌ویژه در امانتداری و اجتناب از خیانت، متوجه ناکارآمدی آموختگان نظام تربیت مدیریتی است که التزامی ویژه را در تخلق به خودمراقبتی بر مبنای باورهای یقینی به مبداء و معاد نمی‌دهد. بنابراین فقدان تعالی جویی عرفانی را در نظام تربیت مدیریت، یکی از دلایل جدی در مرتکب شدن رفتارهای بزهکارانه و غیر انسانی، الهی تلقی می‌کنند. (رویکرد حل فقدان تعالی معنوی)

حال آنچه که بر اصرار ما در اعمال آموزه‌های عرفان اسلامی به‌عنوان روح حاکم بر ساختارهای مدیریتی تأکید و تأیید می‌نماید، تدقیقی است از قالب خشک و بی‌روح این ساختارهای مکاتب مدیریتی که همچنان با تداوم نظریه‌ای پس از نظریه‌ای، واله و مجنون وار به حاکمیت غیر انسانی و الهی خود ادامه می‌دهد. آنگونه که در مدیریت کلاسیک، انسان، موجودی مادی، اقتصادی و قابل کنترل با مشوق‌های صرفاً دنیایی است و از حیث نظریه سیستم‌ها، که سیستمی بسته به‌شمار می‌رود. بنابراین از چنین ساختاری هرگز نمی‌توان انتظار ایفای نقش خلیفه الهی مدیر را داشت و اینچنین است در مدیریت نیوکلاسیک (جنبش روابط انسانی) که با نگاهی کاملاً انسانی به محیط کار با بی-اعتنایی به انسان و نیازهایش در پی مقاصد خویش است. و نهایتاً مکتب نوین (معاصر) با همه تلاش و اهتمام در پی درمان درد بی‌هویتی حاکم بر ساختارها، از طریق ایجاد اتحاد بین کلاسیک و

نیوکلاسیک و ادعای همزمانی نگاهی جامع و سیستماتیک به ابعاد انسانی و سازمانی، باز به دلیل آنکه بر مبنای معیار و سنجه کرامت الهی انسان بنا نهاده نشده و بلکه روابط انسانی در خدمت افزایش تولید و به تعبیری اصالت تولید است، نتوانست جهان تشنه به عرفان و معنویت را در قلمروهای مدیریتی درمان بخشد (رک به: احمدی، ۱۳۹۳. ایران نژاد، ۱۳۹۳ و رضائیان، ۱۳۸۳) و اینجا است که عصر کنونی به دلیل گرایش به معنویت به عصر معنویت مسمی و بر مبنای چنین گرایشی شاهد خلق قارچ گونه عرفان های کاذب و دروغین هستیم که به هر حيله و خبائتی می کوشند تا تشنگان را از مشرب خود بنوشانند و که به فرمایش: "الْإِنْسَانُ عَلَى دِينِ مُلُوكِهِمْ" (مجلسی، ج ۱۰۲: ۷) چنانچه ساختارهای مدیریتی و مدیران جوامع، ممهّد به این آموزه ها شوند، تأثیر شگرف آن در همه دامنه های اجتماع سریعتر و بهتر و بیشتر هویدا خواهد شد. هدف این پژوهش آن است تا با طراحی و اعتباریابی مدل مدیریت عرفان اسلامی اولاً این تأثیر را بنمایاند و از دیگر سو عرفان اسلامی را در حقیقت راستینش با الگوپذیری از انسان کامل و کامل شدن مدیران در سیر و سلوکی بر مشی اسفار مترسّم صدرایی، از انزوای منفی نجات بخشد. سلوکی که قلبها را تسخیر و بسترساز حاکمیت جهانی انسان کامل را در پی خواهد شد. همان عرفان نابی که امام راحل با مشی آن مدیریت جهان اسلام را متحول کرد و مقام معظم رهبری اداره جهان اسلام را اداره و مستضعفان در بند را امیدوار و به عنوان دوی و درمان مدیریت، جهان را به خود متوجه ساختند .

پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهشی در ارائه مدل و اعتباریابی عرفان اسلامی صورت نگرفته است ولی تلاش های ستودنی از سوی برخی پژوهشگران در تأثیر معنویت و یا دین بر سبک های مدیریتی و کار و ساختار و تشکیلات به عمل آمده است همچون:

عابدی جعفری، حسن و رستگار، عباسعلی، (۱۳۸۶) در مقاله پژوهشی خود با عنوان: ظهور معنویت در سازمان ها: مفاهیم، تعاریف، پیش فرض ها، مدل مفهومی، و هدف مقاله را دستیابی به یک چارچوب نسبتاً جامع و قابل قبول از معنویت که بتواند همه ابعاد وجودی انسان شامل؛ زیستی، اجتماعی، روانی و معنوی را دربرگیرد. اعلام نموده اند با تأکید بر نوع شناسی از سنخ معنویت فرادینی با رویکرد شناختی که بر اساس آن مدل مفهومی تحقیق برای تمهید بستری جهت پژوهش های آینده ترسیم شده است.

فاطمه شیخی نژاد و گلناز احمدی (تدبیر، ۱۳۸۷، شماره ۲۰۲) در مقاله مدیریت در پرتو معنویت، اظهار داشته اند معنویت در سازمان، پدیده نوظهوری است که بسیاری از صاحب نظران مدیریت و سازمان و نیز مدیران را، در سطوح مختلف به خود جلب کرده است. بر این اساس، بسیاری از آنان معنویت را

به‌عنوان منبعی پایدار برای سازمان‌ها دانسته‌اند که می‌تواند به آن‌ها در زمان‌های پرتلاطم و آشوب‌زده، یاری رساند و تناقض‌نمایی نظم و بی‌نظمی در سازمان را حل و فصل کند.

سید مهدی الوانی و دیگران در مقاله ارائه مدل رهبری معنوی در نظام اداری ایران با رویکردی توسعه‌ای، با بهره‌گیری از نظرات خبرگان و از طریق پیمایش تعدادی دستگاه‌های دولتی، نقش سازه‌های رهبر معنوی، پیروان معنوی و زمینه معنوی را در اثربخشی رهبری بررسی نموده و از نتایج پژوهش آن است که سازه‌های جدید نقش معناداری در پیش‌بینی اثربخشی رهبری دارند.

حبیبه نجفی و دیگران (۱۳۹۶) در مقاله تأثیر رهبری معنوی بر رضایت شغلی کارکنان با میانجی‌گری سلامت معنوی برای ارائه مدل معادله ساختاری دریافته‌اند که رهبری معنوی با رضایت شغلی رابطه مثبت و معنادار دارد. همچنین رهبری معنوی از طریق تأثیر مثبت بر سلامت معنوی، موجب افزایش رضایت شغلی کارکنان می‌شود و توصیه نموده‌اند این سبک رهبری را به‌عنوان سبک رایج و غالب در برنامه‌های خود به‌کارگیرند و باعث افزایش رضایت شغلی و عملکرد سازمان خود در دنیای رقابتی امروزی شوند.

درمقاله تأملی بر معنویت سازمانی با رویکرد اسلامی (۱۳۹۲) این نتیجه استخراج شده است که: تمرکز بر معنویت می‌تواند وسیله‌ای باشد برای کنترل محیط، جلوگیری از تعارض، پذیرش اهداف سازمانی و کسب موفقیت به‌گونه‌ای که گروهی بر این باورند که باید معنویت را بخش مهمی از برنامه‌های سازمان به‌حساب‌آورد.

روش پژوهش

اجرای این پژوهش با استفاده از طرح تحقیق آمیخته از نوع اکتشافی^۱ انجام گرفته است. در این طرح معمولاً به روش کیفی به تدوین یک چارچوب اولیه راهنما پرداخته می‌شود و مراحل دیگر با استفاده از روش‌های کیفی تا نیل به نتیجه مورد انتظار ادامه می‌یابد. به این ترتیب در این طرح، با گردآوری و تحلیل داده‌های کیفی به تعیین جنبه‌های اصلی پدیده مورد بررسی پرداخته می‌شود و از این جنبه‌ها به‌عنوان ابعاد مورد نظر برای تدوین الگوی نهایی استفاده می‌شود. ما نیز در این پژوهش، به ترتیب با بررسی کتابخانه‌ای و مصاحبه با صاحب‌نظران چارچوب اولیه راهنما را تهیه و سپس بر اساس روش کیو^۲ که عامل پیوند بین داده‌های کمی و کیفی است مراحل نهایی پژوهش را تا طراحی و اعتباریابی مدل مورد انتظار دنبال نموده‌ایم. جامعه آماری مورد نظر نیز شامل افرادی بودند که تا حدودی با موضوع عرفان و مباحث مدیریت آشنایی داشتند. انتخاب آن‌ها نیز با روش گلوله برفی^۳ یا

^۱ .Exploratory mixed method design

^۲ .Q Methodology

^۳ .Snowball sampling method

زنجیره ای و تا مرحله اشباع نظری^۱ ادامه یافته است. دیدگاه‌های این افراد که ۲۹ نفر را شامل می‌شوند تا پایان مراحل مورد استفاده پژوهشگر قرار گرفته است.

بحث نظری

در قرآن کریم (ذاریات، ۵۶) هدف از خلقت انس و جن، عبادت شمرده شده است. همچنانکه برای انسان در مجموعه ماسوی الله، مقامی ویژه -مقام خلیفه الهی- تعریف شده (بقره، ۳۰) و فرمایش: «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (مومنین، ۱۴) ناظر بر تجلی جمال و جلال نیکوترین آفریدگار بر انسان است. به همین جهت، بزرگان اهل معرفت، انسان کامل را هدف، مقصود آفرینش معرفی می‌نمایند. و تقرب الی الله را با پیروی از الگوی کامل و آسوه ای حسنه که واسطه فیض بخشی به عالم و آدم را بر عهده دارد، مشروط و میسر می‌دانند. چنانچه عطار نیشابوری (۱۳۸۹، دیوان) با کاربست اصطلاح «انسان کامل» می‌گوید:

شناس انسان کامل مصطفی را بدانی مظهر نور خدا را
شود او را شناسایی چو حاصل بدانی در جهان انسان کامل

بدین جهت عارفان اسلامی بر آنند تا با آموزه‌هایی برخاسته از معرفت‌های شهودی، تفسیری عارفانه از هستی‌شناسی ارائه و ماسوی الله و در راس آن از انسان کامل، به عنوان تجلی و نمود آن «بود» به عنوان خلیفه خداوند ارائه نموده (عرفان نظری) و در مقام عمل، با التزام به الگوپذیری از حقیقت محمدیه در همه احوال و مقامات، سیر و سلوکی متعبدانه و موحدانه را در پیشگاه حضرت ربوبیت، جل و علا راهنما باشند، آنچه که در عرفان اسلامی توسط عارف در التفات به احوال و مقامات در تربیت نفس و تجلی خلیفه الهی در ذیل عناوینی همچون: وجودشناسی، نفس‌شناسی، معادشناسی، شناخت‌شناسی صورت‌می‌پذیرد در سفرهای معنوی و روحانی چهارگانه ذیل عنوان اسفار اربعه صدرالتالیهین می‌توان ملاحظه نمود آنگونه که سالک در سفر اول خود با سیر *مِنَ الْخَلْقِ إِلَى الْحَقِّ* یا سیر الی الله، ضمن درنوردیدن حجاب‌های ظلمانی نفس و حجاب‌های نورانی قلب و عقل و روح و در سفر دوم، یعنی سیر *مَعَ الْحَقِّ فِي الْحَقِّ بِالْحَقِّ*: بر همه اسمای حق به جز اسم مستأثر، واقف و با فنای ذات صفات و افعال خود در حق، مقام ولایت را به کمال رسانده و نیز در سفر سوم، از سیر *مِنَ الْحَقِّ إِلَى الْخَلْقِ بِالْحَقِّ*، با سفر درعوالم جبروت، ملکوت و ناسوت به مشاهده این عوالم پرداخته و نهایتاً در سفر چهارم یعنی سیر *مِنَ الْخَلْقِ فِي الْخَلْقِ مَعَ الْحَقِّ*، عارف با مشاهده خلایق و آثار و لوازم و سود و زیان دنیوی و اخروی برخاسته از آن‌ها، از کیفیت بازگشت ایشان به سوی حق آگاه و

^۱ - Theoretical saturation

برانگیزه‌ها، موانع و عواقب آن وقوف می‌یابد. اینگونه نگاه استراتژیک و برنامه ریزی، اجرا و عمل، کنترل و ارزیابی هوشمندانه و بصیرت مدار، درست همان نقطه مشترکی است که یک مدیر و به‌ویژه مدیر اسلامی می‌کوشد تا در خود و دیگر همکاران و همپاران با مجال بخشی به استعدادها و قابلیت‌ها و رشد و ارتقای آن‌ها و بهره‌گیری از توانمندی‌های افراد در رسیدن به اهداف سازمانی با رویکرد اثر بخشی و کارایی که از آن در علم مدیریت به انجام کار درست و درست انجام دادن کارها نام برده می‌شود، برسد و همه مراحل اصول مدیریت مانند: برنامه‌ریزی، سازماندهی، بسیج و بهره‌گیری از منابع و امکانات، هدایت و رهبری و کنترل و ارزیابی را به اجرا گذارد. امری که از تلفیق این دو، ما را به مدیریتی ممتاز از مدیریت‌های سکولار در کرسی مدیریتی مبتنی بر آموزه‌های عرفان اسلامی رهنمون می‌سازد. اسلام ناب محمدی در تحقق شریعت خود در آیه ۲۹ سوره فتح، معیت افراد را به عنوان یاران رسول الله (ص)، با دو صفت بارز: «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» و «تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ» ترسیم می‌نماید، و این بدین معنا است که شرط در معیت رسول الله بودن، رویکردی تولی و تبری داشتن است، تا انسان بتواند توفیق طریقت نبوی را داشته‌باشد و این حاصل نمی‌شود مگر در خاکریز مقامات عبودیت عرفان ناب که به فضل الهی سالک الی الله توفیق سرنهاندن بر آستان حضرت حق را می‌یابد. علی (ع) در توصیف یاران خاص حضرت حجت (عج)، به یاورانی اشاره دارد که در رکاب حقیقت مهدوی، راهبان شب و شیران روزند:

« فِيهِمْ رِجَالٌ لَا يَنَامُونَ اللَّيْلَ، لَهُمْ دَوَىٌّ فِي صَلَاتِهِمْ كَدَوَىِّ النَّحْلِ. يَبْتَغُونَ قِيَامًا عَلَى أَطْرَافِهِمْ وَ يُصَبِّحُونَ عَلَى خِيُولِهِمْ. رُهْبَانٌ بِاللَّيْلِ، لُيُوثٌ بِالنَّهَارِ. » حضرت را یارانی است که شب هنگام نخوابند. به سان زمزمه زنبور عسل، زمزمه نمازشان برپاست. از شب تا به صبح در حال قیام و رکوع و سجودند و بامدادان بر مرکب‌هایشان سوارند. آنان، راهبان شب و شیران روزند. (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۵۲: ۳۰۴).

در روایتی از پیامبر اسلام آمده است: «که فرزند عثمان بن مظعون از دنیا رفت. عثمان بسیار غمگین شد تا آنجا که خانه‌اش را مسجد قرارداد و مشغول عبادت شد و هر کاری را جز عبادت ترک گفت. این خبر به رسول خدا (ص) رسید. او را احضار کرده، فرمودند: «یا عثمان ان الله تبارک و تعالی لم یکتب علینا الرهبانیه انما رهبانیه امتی الجهاد فی سبیل الله» (متقی الهمندی ۱۹۸۹، ۳، ۷۵۸).

دعوت مردم به سوی خدا و دور ساختن بندگان از پرستش بت‌ها و قیام به عدالت و اجرای قسط، از مهم‌ترین اهداف انبیا، بوده است. امام خمینی در اثبات این مطلب می‌فرماید:

«برای این که کمی معلوم شود فرق میان اسلام و آنچه به عنوان اسلام معرفی می‌شود تا چه حد است، شما را توجه می‌دهم به تفاوتی که میان قرآن و کتب حدیث، با رساله‌های عملیه هست: قرآن و کتاب‌های حدیث، که منابع احکام و دستورات اسلام است، با رساله‌های عملیه، که توسط مجتهدین عصر و مراجع نوشته می‌شود، از لحاظ جامعیت و اثری که در زندگانی اجتماعی می‌تواند داشته‌باشد به کلی تفاوت دارد. نسبت اجتماعیات قرآن با آیات عبادی آن، از نسبت صد به یک هم بیشتر است! از

یک دوره کتاب حدیث، که حدود پنجاه کتاب است و همه احکام اسلام را در بردارد، سه - چهار کتاب مربوط به عبادات و وظایف انسان نسبت به پروردگار است؛ مقداری از احکام هم مربوط به اخلاقیات است؛ بقیه همه مربوط به اجتماعیات، اقتصادیات، حقوق، و سیاست و تدبیر جامعه است" (خمینی، ۱۳۵۶: ۵۰).

حال سؤال اساسی چنین است که با وجود چنین اسلامی آیا می‌توان به اسم اسلام، از عرفان خلوت و انزوا و رهبانیت سخن به میان آورد؟ مقام معظم رهبری در دیدار اعضای مجمع عالی بسیج مستضعفین فرمودند: "... این حدیث معروف « مَنْ أَصْبَحَ وَ لَمْ يَهْتَمَّ بِأَمْرِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ » و از این قبیل، فراوان آیات و روایاتی در متون اسلامی است که این جزو بینات اسلام است؛ یعنی اسلام انسان را این جور خواسته است که مسئول باشد؛ هم نسبت به خود، هم نسبت به نزدیکان خود، هم نسبت به جامعه خود، هم نسبت به بشریت مسئول است. " (خامنه‌ای، ۱۳۹۳: ۶).

امام خمینی (۱۳۶۰. ج ۱۵: ۲۱۳) م فرمایند: " باید اهتمام به امر مسلمین داشته باشیم. اهتمام به امر مسلمین این نیست که من بروم نماز. امور مسلمین عبارت از امور سیاسی و اجتماعی مسلمین است. تمام انبیا از صدر بشر و بشریت، از آن وقتی که آدم (ع) آمده تا خاتم انبیا (ص) تمام انبیا برای این بوده است که جامعه را اصلاح کنند؛ فرد را فدای جامعه می‌کردند. ما فردی بالاتر از خود انبیا نداریم. ما فردی بالاتر از ائمه نداریم. این فردها خودشان را فدا می‌کردند برای جامعه. خدای تبارک و تعالی می‌فرماید که انبیا را ما فرستادیم، بینات به آن‌ها دادیم، آیات به آن‌ها دادیم، میزان برایشان دادیم و فرستادیم لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ؛ (الحديد، ۲۵). غایت این است که مردم قیام به قسط بکنند، عدالت اجتماعی در بین مردم باشد، قیام بالقسط و مردم را به قسط وارد کردن مگر می‌شود بدون دخالت در امور سیاسی؟ مگر امکان دارد بدون دخالت در سیاست و دخالت در امور اجتماعی و در احتیاجات ملت‌ها، کسی بدون اینکه دخالت کند، قیام به قسط باشد؟ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ باشد؟" (همان: ۲۱۵). بی‌شک چنین اسلام نابی در شریعت خود به‌عنوان "علت محدثه" سعادت‌آفرینی و کمال‌زایی، طریقت عرفانی ناب را می‌طلبد تا به‌عنوان "علت مبقیه"، امکان وصول حقیقت را میسر سازد و چنین عرفان نابی همان عرفانی است که بر مبنای عبودیت و فناء فی الله، زاهدان شب و شیران روز می‌پروراند. عرفانی است جهت‌بخش عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، امنیتی، و....." به جامعه با سه عنصر هدایت تربیت ولایت می‌نگرد و سالک در فرآیند تعریف و تنظیم ارتباط با خدا به تعریف و تنظیم ارتباط با اجتماع نیز اهتمام ورزد و عارف " با تفسیری عارفانه از اجتماع و جامعه به‌عنوان تجلی الهی می‌کوشد تا جامعه را از کثرت به سوی وحدت سوق دهد. بنابراین دو مقوله ۱. هدایت اجتماعی، ۲. مدیریت اجتماعی (مدیریت مبتنی بر اسمای حسنای الهی، مدیریت متعالیه توحیدی) در آن از موقعیت ممتاز برخوردار است که در سفر سوم و چهارم اسفار اربعه عرفانی متبلور می‌شود و می‌تواند جامعه‌شناسی و جامعه‌سازی خاص خود را به ارمغان بیاورد. انسان کامل است که مسئولیت هدایت

تربیت و تحقق عدالت اجتماعی را پس از سفرهای یادشده برعهده می‌گیرد (رودگر، ۱۳۹۷، ۹۱۷ - ۹۱۶).

پیامبر فرمودند کسی که برای رفع نیاز برادر مومن خود کوشش نماید مانند این است که ۹ هزار سال خداوند متعال را عبادت نموده درحالی که روزها را روزه گرفتن و شب‌ها را هم شب‌زنده‌داری نموده (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۷۴، ۳۱۵). و نیز فرمودند: «الْخَلْقُ عِبَادُ اللَّهِ، فَأَحَبُّ الْخَلْقِ إِلَيَّ اللَّهُ مَنْ نَفَعَ عِبَادَ اللَّهِ، وَأَدْخَلَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ سُورَا» (الکافی: ۲ / ۱۶۴ / ۶). خلق، نانخور خدایند، از این رو محبوب‌ترین خلق در نزد خدا، کسی است که به نانخوران خدا سودی برساند و خانواده‌ای را شادمان کند. پیامبر اسلام (ص) محبوب‌ترین بندگان را نزد خداوند اینگونه معرفی می‌نمایند: «أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَيَّ اللَّهُ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ، وَأَقْوَمُهُمْ بِحَقِّهِ؛ الَّذِينَ يُحِبُّونَ إِلَيْهِمُ الْمَعْرُوفَ وَفِعَالَهُ». (بحار الأنوار، ۱۵۲: ۷۷) محبوب‌ترین بندگان در نزد خداوند، سودمندترین شان نسبت به بندگان و پایبندترین شان نسبت به گزاردن حَقِّش است؛ کسانی که خداوند، کار نیک و انجام دادن آن را محبوبشان ساخته است. بدیهی است برای تحقق چنین مقصد والای الهی، بیش و پیش از هرچیز باید به تربیت نفوس و در رأس آن‌ها مدیران را در تربیتی عرفانی که همانا سیر و سلوک در عبودیت حضرت حق است مجهز و ممهّد نمود. با بازخوانی مکاتب مدیریتی می‌توان نتیجه گرفت که تفاوت سبک مدیریت عرفان اسلامی با مکاتب مدیریتی برشمرده شده، به نوع تفسیر این دو به منشأ هستی و جهان و ماهیت انسان، برمی‌گردد. مطابق اندیشه عرفان اسلامی، نگاه مدیریت عرفان اسلامی به انسان علاوه بر امور دنیایی به مسائل فردنیایی و اخروی به شدت معطوف است و این موضوع بر خود مراقبتی فرایند وار عرفان اسلامی در تعیین اهداف، رویکرد و روش‌ها و مقاصد خودش را نشان می‌دهد. «اسلام برای انسان مقام خلیفه الهی قائل است و غایت انسان را رسیدن به کمال واقعی متکی بر فطرت الهی و قرب الی الله با استفاده از مبانی وحی و سیره و سنت پیامبر(ص) و ائمه معصومین می‌داند و به رشد همه ابعاد وجودی انسان در جهان مادی و معنوی و اخروی توجه دارد. در حالی که در مکاتب سکولار، نگرش به انسان، نگرشی تک‌بعدی و مادی و لذت‌گرایانه محض است در این مکاتب، به بُعد روحی انسان توجه نمی‌شود و با حذف دین و خدا، انسان را با دو بال عقل و علم، فعال مایشاء هستی دانسته و مرگ را پایان زندگی و حیات انسان می‌داند این نگرش به هستی و انسان، دارای سبک مدیریت دنیاگرایانه و بهره‌کشی حداکثری از انسان بدون توجه به بعد معنوی و روحانی او است.» (بهرامی، ۱۳۹۵، ص ۱۳۹۵).

یافته‌ها و بحث :

۱. تعیین عبارت‌های تعریف‌کننده مدل مدیریت مبتنی بر عرفان اسلامی:

در این مرحله تلاش شده تا تمامی نظرات درباره ویژگی‌های مدیریت مبتنی بر آموزه‌های عرفان اسلامی از طریق مرور مصاحبه با صاحب‌نظران و بررسی مطالعات انجام شده گردآوری شود که بعد از بررسی و تحلیل اطلاعات ۶۵ در قالب عبارت به شرح جدول شماره (۱) استخراج گردید. جدول شماره (۱) تعیین عبارت‌های تعریف‌کننده مدیریت مبتنی بر عرفان اسلامی

ردیف	عبارت مستخرج (Q)	ردیف	عبارات مستخرج (Q)
۱	انسان کامل هدف، مقصد و مقصود آفرینش و لذا الگوی تام و تمام مدیر عارف تلقی می‌شود.	۳۴	الگوپذیری مدیر عارف از انسان کامل، به معنای التزام به تخلق خلیفه الهی است.
۲	الگو واقع‌شدن " انسان کامل " برای مدیر عارف ضرورت شناخت قابلیت‌ها و استعدادها بالقوه خود و دیگران را می‌نمایاند.	۳۵	مدیر اسلامی می‌کوشد تا در خود و دیگر همکاران و همیاران با مجال‌بخشی به استعدادها و قابلیت‌ها همه مراحل اصول مدیریت را به اجرا گذارد.
۳	در اسفار اربعه صدر المتالین مدیریت سیر وسلوک به شایستگی قابل-ملاحظه است.	۳۶	مطابق حدیث قدس: اگر من او را دوست بدارم چشم و گوش او خواهم شد تا با آنها بشنود و ببیند، ارتباط با عالم معنویت باعث می‌شود تا چشم حقیقت‌بینی برای مدیر عارف حاصل شود.
۴	عرفان مدیر عارف در اعماق معنای ناب خود در یک کلمه "یقظه" خلاصه شده است.	۳۷	مدیر عارف کسی است که با هوشیاری و بیداری آنچه را که غافلان نمی‌شنوند و خفتگان نمی‌بینند، او می‌شنود و می‌بیند.
۵	مکتب کتمان مدیر عارف " به معنای آن نیست که عارف را از متن اجتماع به انزوایی سوق دهد. بلکه خودسازی در ایفای شایسته‌تر نقش اجتماعی مدیر تلقی می‌شود.	۳۸	عرفان مدیر عارف بیش و پیش از آنکه یک مکتب نظری باشد، مکتبی یکپارچه عملی به-شمار می‌رود.
۶	"راز نگهداری" حاصل از مقامات درمدیر عارف، از جمله مهمترین	۳۹	مدیران جامعه اسلامی سخت به آموزه‌های عرفان اسلامی نیازمندند

		شایستگی‌های صفاتی یک مدیر محسوب می‌شود.	
عرفان، زدودن محبت ماسوی اللّه از قلب مدیر عارف و محبت و کشش او را تابع عشق حق قرار دادن است..	۴۰	آنچه پس از چهار دهه، برای مدیران سطوح مختلف نظام جمهوری اسلامی احساس نیاز شدید می‌شود آموزه‌های عرفان اسلامی است.	۷
ادراک دل و «شهود عرفانی» در مدیر عارف، او را به مرحله مشاهده حقایق می‌رساند..	۴۱	عرفان مدیر عارف، رهایی از خودپرستی، و به قید بندگی حق مقید شدن و منور شدن جان به نور الهی است.	۸
معرفت شهودی و قلبی میابترین راه معرفتی است که مدیر عارف برگزیده است.	۴۲	با پاکسازی درون، مدیر عارف می‌تواند به شهود عرفانی دست‌یافته و بسیاری از حقایق را با علم حضوری مشاهده کند.	۹
معرفت مدیر عارف از دیده بُود چنانچه گفته- اند: عارف از دیده گوید و عاقل از شنیده.	۴۳	مدیر عارف صاحب نظری است که خداوند او را به ذات و صفات و اسماء و افعال خود بینا گردانیده است.	۱۰
پایبندی به عقل، تهذیب نفس با سیر و سلوکی منتهی به شهود و التزام به وحی، سه ویژگی ممتاز عرفان شیعی است که به‌عنوان سنجه از سوی مدیر عارف مطمح نظر قرار می‌گیرد.	۴۴	هرچه مسیر سلوک مدیر عارف دقیق‌تر و منازل عرفان عملی او کامل‌تر و با رعایت شئون شریعت همراه‌تر باشد، مشاهدات زلال‌تر و معارف برتر به دست خواهد آورد.	۱۱
معرفت مدیر عارف به توحید وجودی آنگونه است که حقیقت هستی را در باطن خویش از هرگونه کثرت و تعدد منزّه دانسته و کثرات ظاهری را نمود و تجلی آن بُود مطلق به‌شمار می‌آورد.	۴۵	مدیر عارف ملاک تخلق به عرفان حقیقی را، «همه جانبه بودن» آن و سپس «مطابقت با فطرت و شریعت» می‌داند.	۱۲
تمام هنر مدیر عارف آن است که به هیچ معشوقی جز معشوق حقیقی، عشق‌نورزد و	۴۶	ریاضت مدیر عارف به‌منظور چشاندن سختی‌ها و مرارت‌ها در کاستن کثرات	۱۳

اصالتی ندهد و اگر به مخلوقات عشق می ورزد به دلیل عشق ورزی به حضرت حق باشد.		ورهایی از طبیعت دون برای به پرواز درآوردن روح خویش است.	
مدیر عارف واقف است که تجلی حق در نفوس کامل انسانی در دنیا و آخرت، بر حسب استعداد آن نفوس است.	۴۷	در نزد مدیر عارف، تا فنا و کشتن مَیِّت‌های نفسانی صورت‌نپذیرد هرگز به وحدت حقیقی نخواهد رسید	۱۴
شایسته سالاری مدیر عارف برآمده از حقیقت‌جویی اوست که بر طریق شریعت بدان نایل می‌شود.	۴۸	مدیر عارف، چون خداوند را با جمیع صفات و کمالات می‌شناسد لذا فرد عارف را اکمل موجودات عالم و خلیفه الله می‌داند.	۱۵
الهام نوعی هدایت الهی است که شامل حال مدیر عارف می‌شود و با برخورداری از آن درک تمیز صواب از خطا را پیدا می‌کند.	۴۹	خدا محوری مدیر عارف منبعث از قرآن کریم و به‌عنوان معیار اصلی معرفت شهودی است.	۱۶
مقام صبر مدیر عارف عبارت است از تحمل شداید و بلاها و ناپسندیده‌ها و از سر گذراندن آن‌ها بدون شکوه.	۵۰	ورع مدیر عارف عبارت است از دوری مدیر از ستم‌گری به مردم، به حدی که کسی را بر او دعوی و ادعایی نباشد.	۱۷
قرب آن است که مدیرسالک در اثر کسب مقدماتی مانند ایمان و اعمال صالح، ارتقای وجود یافته و در پرتو تجرد نفس، خود را در محضر حق تعالی احساس نماید.	۵۱	مقام رضای مدیر عارف، عبارت است از آرام‌یافتن دل مدیر به احکام و دستورهای خدا و موافقت او به آنچه خداوند پسندیده و برای او اختیار کرده‌است.	۱۸
مدیر عارف بر مبنای « افوض امری الی الله »، هرگونه خوف و حزن را از خود دور کرده و بر رضایت حضرت حق دلخوش است.	۵۲	مدیر عارف با توکل برخواسته از ایمان « ومن یتوکل علی الله فهو حسبه » همواره در شدائد خداوند را یار و یآوری خود مشاهده می‌کند.	۱۹
رقبت و رهبت مدیر عارف برخاسته از معرفت او به ناظر بودن خدا بر اعمال اوست.	۵۳	مدیر عارف با صبر و اجتناب از شکوه و شکایت از ناملایمات شکیبایی را لازمه مدیریت تعالی برمی‌شمارد.	۲۰
مدیر عارف شایستگی خود را با سنجه	۵۴	مدیر عارف خود را بیش از هر کس	۲۱

<p>قراردادن خاتم اولیاء که در هر عصر و زمانی یک انسان کامل و معصوم است، ارزیابی می-کند.</p>		<p>فقیر الی الله می داند ولذا به مقامات دل نمی بندد.</p>	
<p>مدیر عارف فرمایش « وَتَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ » را بشارتی عظیم در معیت قیومی با حضرت حق تلقی می کند.</p>	<p>۵۵</p>	<p>خضوع و خشوع و صبر و تحمل قائم بر شریعت مدیر عارف در مقابل افراد اجتماع یکی از آموزه های برجسته عرفان اسلامی است.</p>	<p>۲۲</p>
<p>سه عنصر: تربیت، هدایت و ولایت همواره در نگاه عرفان ناب مدیر عارف به سازمان، معطوف است.</p>	<p>۵۶</p>	<p>عرفان ناب همان عرفانی است که بر مبنای عبودیت و فناء فی الله، مدیرانی که زاهدان شب و شیران روزند، می پروراند.</p>	<p>۲۳</p>
<p>دو مقوله هدایت و مدیریت اجتماعی، در مدیریت عرفانی که در سفر سوم و چهارم اسفار اربعه مطرح است، از موقعیتی ممتاز برخوردار است.</p>	<p>۵۷</p>	<p>مدیر عارف " با تفسیری عارفانه از اجتماع و جامعه می کوشد تا جامعه را از کثرت به سوی وحدت سوق دهد.</p>	<p>۲۴</p>
<p>مدیر عارف می کوشد تا در مدیریت کلاسیک، انسان را که موجودی اقتصادی و صرفاً دنیایی تعریف شده را با نگرشی عرفانی اصلاح و تعالی بخشد.</p>	<p>۵۸</p>	<p>آموزه های عرفان اسلامی به عنوان روح حاکم بر ساختارهای مدیریتی خشک و به دور از حقیقت تلقی می شود.</p>	<p>۲۵</p>
<p>نقش اصلاحی مدیر عارف در جنبش روابط انسانی مدیریت نیوکلاسیک اعتنا بخشی و تکریم انسان به جای اصالت دهی به محیط کار خواهد ود.</p>	<p>۵۹</p>	<p>مدیر عارف نجات سازمان را از حاکمیت نظریه بسته سیستم ها، در معنا بخشی و اصالت دهی به ایفای نقش خلیفه الهی کارکنان می داند.</p>	<p>۲۶</p>
<p>هنر مدیر عارف اسلامی آن است که اهمی همه جانبه و تام و تمام در تزریق، تعمیق و ترویج آموزه های عرفان ناب اسلامی به همه عرصه های اجتماع به عمل آورد.</p>	<p>۶۰</p>	<p>نقش اصلاحی مدیر عارف بر مکتب نوین (معاصر) آن خواهد بود تا روابط انسانی حاکم در خدمت به افزایش تولید را به صبغه معنوی و الهی مبدل سازد.</p>	<p>۲۷</p>
<p>مدیریت مبتنی بر عرفان اسلامی، اصول مدیریتی تیلور را که معطوف بر مبنای</p>	<p>۶۱</p>	<p>به فرمایش: "الناس علی دین ملوکهم" چنانچه ساختارهای مدیریتی و</p>	<p>۲۸</p>

مدیران جوامع، ممهّد به آموزه‌های عرفانی شوند، تأثیر شگرف آن در همه دامنه‌های اجتماع سریعتر و بهتر و بیشتر هویدا خواهد شد.		توانایی‌های مهارتی در انتخاب دقیق کارکنان است، را با اهمیت و اولویت‌بخشیدن به ثبات اخلاقی و معنویت اصلاح و کمال می‌بخشد.
۲۹	اگر مدیر عارف در سازمانی قرارگیرد که مطابق مدیریت هنری فایول، مدیریت صنعتی مورد التفات واقع شده است، او می‌کوشد تا کارآمدی سازمان را بر مبنای تکریم انسان به جای امور فنی، بازرگانی، مالی، حسابداری و وظایف مدیریتی تغییر و تعریف نماید.	رویکرد مدیر عارف مدیریت بروکراسی را رویکردی ساختارگرایی است برنتابیده و نقش اول سلسله مراتب در تئوری دیوانسالاری حاکم بر بروکراسی را حذف و ملاک را تخلقی افزونتر به اسماء حسنی افراد سازمان قرار خواهد داد.
۳۰	یکی از مهم‌ترین معیارهای محاسبه مدیر عارف، معرفت بر علم و عدل خداوند و گریزناپذیری و عدم امکان انکار بر کرده خویش است.	مدیر عارف « واعتصموا بحبل الله جميعا » را حلقه اتصال به محبوب می‌داند.
۳۱	مدیر عارف همواره خود را در سفر عرفانی به حالت آماده‌باش احساس نموده و در آمادگی خیزش و برای برخاستن «یقظه» و بیداری را در همه احوال ضروری می‌داند.	مدیر عارف در مقام توبه‌گری هم خویش را بر این معطوف می‌دارد تا خود و همکاران و سازمانی که مسئولیت آن را بر عهده دارد را از ستمگری دور نگاه‌دارد.
۳۲	اینار مدیر عارف دو جنبه دارد: ۱- اینار مادی. ۲- اینار معنوی، که همان نثار محبت و عشق است و درجه نخست آن برگزیدن خلق بر خویش است.	حیای مدیر عارف، توجه به این نکته است که خداوند، همواره ناظر و شاهد اعمال و رفتار او است.
۳۳	در فتوت مدیر عارف هم قابلیت مطرح است و هم فاعلیت.	

۲- تعیین ویژگی مؤلفه‌های اصلی مدیریت مبتنی بر آموزه‌های عرفان اسلامی :
 در این مرحله علاوه بر تعیین مؤلفه‌های هفت‌گانه اصلی مدل مورد انتظار با نظر صاحب نظران، ویژگی‌های آن‌ها نیز مشخص گردید که شرح آن در جدول (۲) ارائه شده است .

جدول (۲) مؤلفه‌های هفت‌گانه اصلی مدل مدیریت مبتنی بر عرفان اسلامی

شاخص‌ها متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد	چولگی	کشیدگی
عدالت محوری	۲۴/۸۹	۳/۰۹	-۰/۴۲	-۰/۲۸
تعالی جویی	۳۳/۴۰	۴/۲۰	-۰/۰۱	-۰/۴۴
بهبود اجتماعی	۲۳/۶۰	۲/۸۳	۰/۱۳	۰/۵۹
اثر بخشی	۲۴/۹۱	۲/۹۰	-۰/۵۳	۰/۰۳
کارایی	۳۲/۰۱	۵/۲۴	۰/۱۲	-۰/۶۶
اسوه‌ای	۲۰/۲۱	۳/۳۱	-۰/۳۲	-۰/۰۶
تکلیف‌مداری	۲۵/۱۷	۲/۷۲	-۰/۰۴	۰/۱۹

همان‌طور که در جدول (۲) ارائه شده است مدل مدیریت مبتنی بر عرفان اسلامی دارای ۷ مؤلفه اصلی است که ویژگی آن‌ها در جدول نشان داده شده است. در این میان مؤلفه تعالی‌جویی، بالاترین نمره را کسب نموده است. بر اساس مقادیر به دست آمده چولگی و کشیدگی می‌توان اذعان داشت که مؤلفه‌های هفت‌گانه دارای توزیعی نرمال می‌باشند.

۳- تعیین تأثیر هریک از مؤلفه‌های اصلی در تشکیل مدل:

جدول (۳) ماتریس کل تبیین شده برای هفت مؤلفه

مؤلفه ه	مقادیر ویژه اولیه		مجموع مجذور بارهای عاملی				مجموع مجذور بارهای عاملی چرخش یافته			
	کل	درصد	کل	درصد	کل	درصد	کل	درصد	کل	درصد
۱	39/5	98/26	98/26	39/5	98/26	98/26	34/24	34/24	34/24	86/4
۲	28/3	41/16	39/43	28/3	41/16	39/43	52/15	86/39	10/3	39/43
۳	70/2	50/13	90/56	70/2	50/13	90/56	74/11	61/51	34/2	90/56
۴	91/1	57/9	47/66	91/1	57/9	47/66	09/10	70/61	1/2	47/66
۵	69/1	45/8	93/74	69/1	45/8	93/74	86/9	56/71	97/1	93/74
۶	62/1	13/8	06/83	62/1	13/8	06/83	62/8	19/80	72/1	06/83
۷	11/1	54/5	61/88	11/1	54/5	61/88	41/8	61/88	68/1	61/88

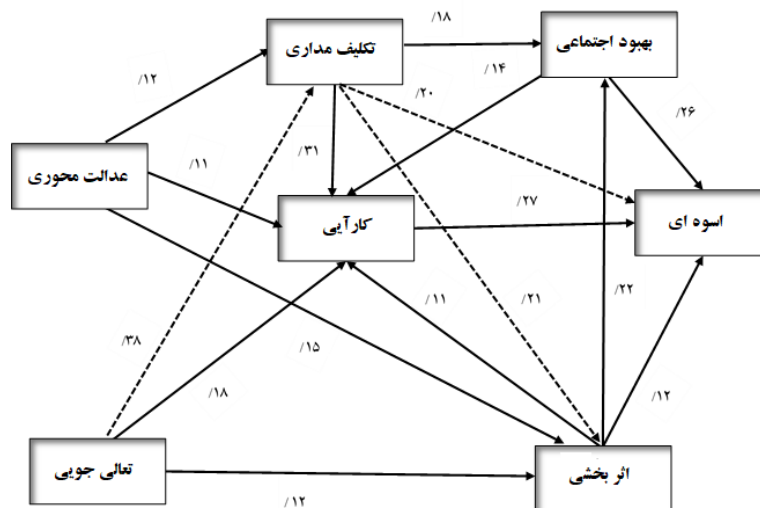
پس از حصول اطمینان از مناسب بودن داده‌ها، به منظور دسته‌بندی نظرات مشارکت‌کنندگان، تحلیل عاملی کیو به روش مؤلفه‌های اصلی و با استفاده از چرخش واریماکس^۱ صورت گرفت.

¹ varimax rotation

شایان ذکر است که ملاک استخراج عامل‌ها، مقادیر ویژه بالاتر از ۱ بوده‌است. نتایج در جدول (۳) نشان داده شده‌است. همان‌طور که مشاهده می‌گردد با توجه به این ملاک، دیدگاه افراد نمونه روی هم‌رفته در ۷ مؤلفه دسته‌بندی شد که این ۷ مؤلفه در حدود ۸۸/۶۱ درصد واریانس را تبیین و پوشش می‌دهند. بر اساس نتایج به دست آمده، بیشترین واریانس تبیین شده مؤلفه‌های اول و دوم به ترتیب (۰/۲۴/۳۴) و (۰/۱۵/۵۲) بوده‌اند، بعد از آن‌ها به ترتیب هریک از مؤلفه‌های سوم، چهارم، پنجم، ششم و هفتم با مقادیر (۰/۱۱/۷۴)، (۰/۱۰/۰۹)، (۰/۰۹/۸۶)، (۰/۰۸/۶۲) و (۰/۰۸/۴۱) در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

۴ - تعیین مدل نهایی مدیریت مبتنی بر عرفان اسلامی بر اساس ضرایب استاندارد :

به منظور مشخص شدن مدل نهایی مدیریت مبتنی بر عرفان اسلامی، از روش تحلیل مسیر از طریق برآورد پارامتر بیشینه درست‌نمایی استفاده شده‌است. با توجه به نرمال بودن داده‌ها، پیش‌فرض اساسی این روش رعایت گردیده‌است. پس از تحلیل داده‌های مربوط به مؤلفه‌های هفت‌گانه مسیره‌های جدیدی توسط نرم‌افزار پیشنهاد گردید. به این ترتیب مدل نهایی برحسب ضرایب استاندارد شده به دست آمد که در شکل (۱) می‌آید.



شکل (۱) مدل نهایی مدیریت مبتنی بر عرفان بر اساس ضرایب استاندارد شده

شکل (۱) مدل نهایی مدیریت مبتنی بر عرفان بر اساس ضرایب استاندارد شده را نشان می‌دهد. نتایج مدل نهایی حاکی از آن است که کای اسکوئر برابر ۸/۲۵؛ $\chi^2=۸/۲۵$ با درجات آزادی ۵؛ $(df=۵)$ و سطح معنی‌داری ۰/۱۴۳؛ $(Sig=۰/۱۴۳)$ بوده که با عنایت به نتایج می‌توان گفت که مدل

ارائه شده معنی دار است. این معنی داری در ارزیابی شاخص های کلی برازش مدل نهایی در جدول (۴) ارائه شده است:

جدول ۴-۱۰ شاخص های کلی برازش مدل نهایی مدیریت مبتنی بر عرفان

شاخص	مدل	X ²	Sig	df/x ²	GFI	AGFI	NFI	CFI	IFI	RMSEA
مدل نهایی مدیریت مبتنی بر عرفان	۸/۲۵	۰/۱۴۳	۱/۶۵	۰/۹۹۳	۰/۹۶۰	۰/۹۷۹	۰/۹۹۱	۰/۹۹۲	۰/۰۴۵	.
برازش قابل قبول	-	>۰/۰۵	<۳	>۰/۹	>۰/۹	>۰/۹	>۰/۹	>۰/۹	>۰/۹	<۰/۰۸

$P \leq 0/05$

به منظور بررسی برازش مدل نهایی مدیریت مبتنی بر عرفان بر اساس ضرایب به دست آمده، شاخص های کلی نیکویی برازش محاسبه گردید که نتایج در جدول (۴) نشان داده شده است. بر اساس نتایج به دست آمده با اطمینان ۹۵ درصد می توان ادعا نمود که مدل ارائه شده مدیریت مبتنی بر عرفان معنی دار بوده و از لحاظ آماری مورد تأیید است.

نتیجه گیری

در طول تاریخ شاهد تجلی عملکرد متعالی انبیاء و اولیا الهی بوده ایم که با عبودیت و برخورداری از عرفانی ناب در پی مدیریت بشر برآمده و توانسته اند ویژگی منشأ تحولات بزرگی در جامعه بشری گردند. چنین تجربه ای الهی ما را بر آن وامی دارد که همواره در پی ترسیم و به کارگیری چنین مدلی از عرفان و مدیریت باشیم. بدون تردید مدیریت مبتنی بر عرفان اسلامی، سازمان را در جهت رنگ و بویی الهی و عرفانی تر هدایت می کند. بر این اساس، عرفان اسلامی می تواند در امور جاری زندگی اجتماعی نقشی برجسته تر برعهده بگیرد. در این پژوهش، ایفای این نقش در طراحی و اعتباریابی یک مدل میان رشته ای متشکل از عرفان اسلامی و مدیریت مورد توجه قرار گرفت که بر اساس نتایج ارائه شده، مدل به دست آمده متشکل از ۶۵ زیر مؤلفه و هفت مؤلفه اصلی عدالت محوری، تعالی جویی، بهبود اجتماعی، اثربخشی، کارایی، اسوه ای، تکلیف مداری مرتبط با یکدیگر است. بررسی ضرایب و روابط میان مؤلفه ها حاکی از انسجام بالا و معنی دار مدل است، بشکلی که مؤلفه های مدیریت مبتنی بر عرفان اسلامی به صورت مستقیم و غیر مستقیم بر یکدیگر تأثیر دارند. بر اساس نتایج ارائه شده مؤلفه های مدیریت مبتنی بر عرفان اسلامی به صورت مستقیم یا غیر مستقیم با ضرایبی بین ۰/۱۰۸ تا ۰/۳۸۴ بر یکدیگر تأثیر معنی دار داشته اند. بر اساس مدل ارائه شده می توان با بهره گیری از آموزه های عرفان اسلامی در مدیریت، جلوه ای الهی و کارا تر در سازمان ارائه نمود که نتایج آن منجر به بالندگی هرچه بیشتر سازمان ها خواهد شد.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. احمدی، مسعود. ۱۳۹۳. مبانی سازمان و مدیریت، ج ۱۸، تهران: پژوهش‌های فرهنگی.
۳. الوانی، سید مهدی و دیگران. ۱۳۹۲. ارائه مدل رهبری معنوی در نظام اداری ایران، مدیریت دولتی (دانش مدیریت) دوره ۵، شماره ۱، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قزوین.
۴. ایران‌نژاد پاریزی، مهدی، (۱۳۸۲)، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: مدران.
۵. بهرامی قصرچمی، خلیل. ۱۳۹۵. تأثیر آموزه‌های عرفانی بر مدیریت بهره‌وری در سازمان‌های دولتی و خصوصی ایران، فصلنامه مطالعات ادبیات، عرفان و فلسفه.
۶. جعفری شورگل، سکینه. ۱۳۹۲. تأملی بر معنویت سازمانی با رویکرد اسلامی، مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی و ایرانی، دوره ۲، شماره ۲.
۷. جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۷۸. ولایت فقیه؛ ولایت فقاہت و عدالت، ج ۹۰ و ۹۹، نشر اسراء، قم.
۸. حنبلی، احمد. ۱۴۱۶. مسند؛ موسسه الرساله، بیروت، ج ۲۵.
۹. خامنه‌ای، سیدعلی. ۱۳۹۳. khamenei.ir، دفتر نشر فرهنگ و آثار حضرت آیت الله خامنه‌ای.
۱۰. خمینی، روح الله. ۱۳۵۶. ولایت فقیه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۱. خمینی، روح الله. ۱۴۱۰. تعلیقات علی شرح فصوص الحکم و مصباح الانس، موسسه پاسدار اسلام، قم.
۱۲. خمینی، روح الله. ۱۳۶۰. سخنرانی ۱۸ شهریور: صحیفه امام خمینی، نشر آثار امام خمینی، جلد ۱۵.
۱۳. خمینی، روح الله. ۱۳۶۸. صحیفه نور، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، جلد ۱۹.
۱۴. رضاییان، علی. ۱۳۸۳. اصول مدیریت، انتشارات سمت؛ چاپ بیست و هفتم.
۱۵. رودگر، محمدجواد. ۱۳۹۷. ماهیت عرفان اجتماعی با تکیه بر مؤلفه انسان کامل از منظر امام خمینی، مجله فلسفه دین، دوره پانزدهم، شماره ۴.
۱۶. سجادی، سید جعفر. ۱۳۸۷. فرهنگ اصطلاحات عرفانی، انتشارات طهوری، ج ۴.

۱۷. شیخی نژاد، فاطمه و گلناز احمدی، ۱۳۸۷، تدبیر، شماره ۲۰۲.
۱۸. عابدی جعفری، حسن و رستگار، عباسعلی. ۱۳۸۶. ظهور معنویت در سازمان‌ها، فصلنامه علوم مدیریت ایران، سال ۲، شماره ۵.
۱۹. عطار، فریدالدین ابوحامد. ۱۳۸۹. دیوان اشعار، تهران: انتشارات شهرزاد.
۲۰. قشیری، ابوالقاسم عبدالکریم بن هوازن. ۱۳۷۴. رساله قشریه؛ انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۱. قمی، عباس. ۱۳۷۶. سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس.
۲۲. قیصری، داوود، ۱۴۱۶. مقدمه شرح قیصری بر فصوص الحکم، انتشارات انوار الهدی.
۲۳. گرجی، ابراهیم و برخورداری، سجاد. ۱۳۸۶. مبانی روش تحقیق در علوم اجتماعی، تهران.
۲۴. متقی الهندی، علا الدین. ۱۹۸۹. کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، تحقیق شیخ بکری حیانی، تحصیح شیخ صفوة السقا، بیروت، مؤسسه الرساله، ج ۳.
۲۵. مجلسی، محمد باقر. ۱۳۶۳. بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء، مستملی، اسماعیل بن محمد، شرح التعرف لمذهب التصوف، ج ۱ و ۲، چاپ محمد روشن، تهران.
۲۶. مطهری، مرتضی. ۱۳۸۳. مجموعه آثار انتشارات صدرا، ج ۲۳، تهران.
۲۷. معین، محمد. ۱۳۸۸. فرهنگ فارسی شش جلدی. ج ۲۶، تهران: امیرکبیر.
۲۸. ملاصدرا، محمد بن ابراهیم. ۱۹۸۱ م. الحکمة المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه، بیروت ناشر: دار احیاء التراث العربی.
۲۹. نجفی، حبیب و دیگران. ۱۳۹۶. تأثیر رهبری معنوی بر رضایت شغلی کارکنان با میانجی گری سلامت معنوی برای ارائه مدل معادله ساختاری، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، بهار و تابستان، دوره ۶، ش ۱.

Design and Validation of Islamic Sufism Management Model

Asadollah Asadi Garmarudi¹ Ali Sheykhholeslami² Esmaeil Mansuri Larijany³ Reza Saaki⁴

PhD Student, Islamic Mysticism and Sufism, Faculty of Law and Theology and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Professor, Department of Islamic Mysticism, Faculty of Law and Theology and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. *
Corresponding Author

a-sheikhholeslami@srbiau.ac.ir

Associate Professor, Department of Islamic Mysticism, Imam Hossein University, Tehran, Iran

Tehran, Iran

Associate Professor, Shahid Rajaei Teacher Training University, Tehran, Iran

Abstract

The intense effort to inject, promote, and deepen the teachings of pure Islamic mysticism is indispensable in all areas of society, and especially in the realm of principles of management. The purpose of this research is to design and validate the model of Islamic mysticism management: firstly, to show this effect and secondly to save true Islamic mysticism by modeling the perfect human being and completing the managers in Sadra'ian circus, from negative isolation. This study uses an exploratory mixed-design study, and provides a baseline guide to library research and interviewing, based on the Q method, which links quantitative and qualitative data to the final stages of research. To design and validation of the expected model is followed. The model has seven main components: central justice, excellence, social improvement, effectiveness, efficiency, role model, orbital task, and the results indicate that the components of Islamic mysticism management are directly or indirectly related to coefficients ranged from 0.108 to 0.384 with a significant effect on each other and the presented model is statistically confirmed with 95% confidence. Therefore, by utilizing the teachings of Islamic mysticism in management, a divine and more effective manifestation can be presented which leads to the growth of organizations.

Keywords:

Model, Management, Islamic Sufism, Teachings of Islamic Sufism.

